

پیشه



اصفهان

نقشه قانونیان

عکس‌ها: مهدی قانونی

در خانه تاریخی جواهری واقع در محله در دشت اصفهان (خیابان ابن سینا) میزبانمان شد؛ خانه‌ای با معماری قاجاری، در دل بافت تاریخی یکی از قدیمی‌ترین محله‌های اصفهان، همجوار با مسجد جامع عتیق، مقبره سلطان بخت آغا و دو منار تیموری در دشت؛ جایی که «جواد دیواندری» هنرمند خوش‌قریحه و صاحب‌سبک رشته شیشه‌گری، جهان ایده‌ها و طرح‌های خلاقانه‌اش را در یکی از ۱۷ کارگاه و غرفه فعال صنایع دستی مستقر در این خانه تاریخی جا داده و از عصبان شیشه و آتش «پته جقه‌های نجیب»، «جای خالی تو»، «نزاع بر سر هیچ»، «آب تنی نور در حجم درخت»، «سروستان» و... آفریده است؛ عناصر را در خدمت ایده‌ها در آورده و به گفته خودش «رسوبات دریافتی ذهن و لایه‌های ناخودآگاه» را عنایت بخشیده است؛ چیزی شبیه یک مراقبه ذهنی با عناصر، با شیشه، اکسیژن، آتش و نور، گرما و حرارت.



چراغ کارگاه شیشه‌گری جواد دیواندری
در محله در دشت اصفهان هنوز روشن است

مراقبه در قرابت شیشه و آتش

حدود ۳۰ سال است که فعالیت هنری خود را آغاز کرده و از تجربه رشته‌هایی چون طراحی، نقاشی، خوشنویسی و... به شیشه‌گری روی آورده و حالا ۲۰ سالی است که ایده‌هایش را به هنر شیشه‌گری پیوند زده است. متولد ۱۳۴۷ در سبزوار و بزرگ شده شاهرود است و معتقد است مسیری که در دیگر رشته‌ها تجربه کرده، موجب شده شیشه‌گری را از یک تکنیک، فراتر دیده و بیشتر به ابعاد هنری آن فکر کند.

می‌گوید: «رشته‌های متفاوتی را تجربه کرده‌ام که معتقدم همه مکمل هم بوده است. این تجربه‌ها به کمک آمده تا به قابلیت‌های عناصر مختلف نزدیک‌تر شوم و بتوانم در راستای نزدیک‌تر شدن اثر به هنر، در شیشه‌گری به دنبال فنون و خروجی‌های جدید باشم».

● هنر جان دادن به شیشه

شیشه‌گری هنری با قدمت چند هزار ساله، هنر جان دادن و حجم دادن به شیشه با استفاده از آتش و حرارت است. هنرمند شیشه‌گر در جدال ایده و ماده، ابتدا عنصر شیشه را حرارت داده تا نرم و نیمه مایع شود، سپس با ابزار مخصوص و حرکات و تکنیک‌های دست و دمیدن، به آن حجم و فرم می‌بخشد.

دیواندری لذت‌بخش‌ترین مرحله خلق اثر در این فرایند را ایده‌پردازی می‌داند و می‌گوید: «گاهی در ذهنم چیزی را خلق می‌کنم و وقتی به کارگاه می‌آیم آن تجربه ساخت ذهنی را به اثر واقعی تبدیل می‌کنم. جذاب‌ترین مرحله کار، ایده‌پردازی است؛ شبیه کشف و شهود است؛ حتی گاهی در ذهنم اثری را یک بار می‌سازم و همان‌جا در ذهنم خرابش می‌کنم و دوباره مسیر جدیدی را مرور می‌کنم تا به خلق نهایی اثر برسم. این لذت درونی و این کاوش ذهنی، آدم را از درون می‌سازد و بار می‌آورد، این ایده‌ها تراوش‌های ذهنی است که از داده‌های اطرافم می‌گیرم، مثل شاعری که به وجه مختلف یک کلمه فکر می‌کند و از آن شعری خلق می‌نماید» و البته خود او هم گاهی با کلمات این کار را کرده است. جایی در صفحه شخصی‌اش، در توصیف چالش میان رنگ و نور و عناصر نوشته:

در کدام لحظه

در کدام تقاطع

به کدام رنگ می‌رسم

در آستانه زرد و سبز و قرمز...

او می‌گوید: «آنچه در نهایت به دنیای مادی وارد می‌شود، فقط ماده و فن و تکنیک نیست، دنیای درونی هنرمند است که در فرآیند شکل گرفتن ایده و خلق اثر قابل رؤیت شده و قابلیت مشاهده آن به وجود آمده است. مشاهده‌گری‌ها، شناخت رنگ، نور، سایه و عناصر همه دست به دست هم می‌دهند تا در نهایت به آن زیبایی‌شناسی بصری و آن ظرافت عملی و به یک اتفاق زیبا در خلق یک اثر برسیم».

● بازی با نور

در پاسخ به اینکه چرا در گذار از رشته‌های دیگر، سرانجام در این رشته اتراف کرده و این هنر را ادامه داده، می‌گوید: «شیشه، بازی زیادی با نور دارد، با عناصر محیط همخوانی خوبی پیدا می‌کند، کاربردهای زیادی دارد، حتی از سایه‌اش می‌شود در محیط، در یک اثر هنری، در یک چیدمان استفاده کرد؛ ظرفیتی که اصلاً در فلز و دیگر رشته‌ها ندیده‌ام».

این‌ها را می‌گوید و من به یاد جمله‌ای می‌افتم که پیش از مصاحبه در گوشه‌ای از صفحه مجازی‌اش خواندم. جایی زیر عکس یکی از آثارش نوشته است: «دقت کردید انگار شیشه ظاهر نداره؟ همه‌اش باطنه».

در میانه مرور این جمله، ادامه می‌دهد: «هر ماده و هر عنصر طبیعی، بی‌نهایت قابلیت متفاوت دارد، ما ممکن است این قابلیت‌ها را ندانیم، مثلاً چه کسی فکر می‌کرد با آب بشود آهن یا فولاد برش داد، آب این قابلیت را داشته، ما به این شناخت نرسیده بودیم. به همین دلیل قابلیت ذهن هنرمند باید برای شناخت ظرفیت عناصر، پرورش داده شود و این ممارست می‌خواهد. گاهی عناصر خودشان مسیر را به شما نشان می‌دهند آن هم فقط با نزدیک شدن به آن عنصر و با حفظ، مشاهده و مطالعه ذهنی آزمون و خطاهایی که بر آن عناصر داشته‌ایم. اگر قابلیت ذهن شما همپای عناصر زیاد شود، آن خلق نهایی اتفاق می‌افتد. در ساخت یک اثر این ایده‌پردازی است که زمان می‌برد، زمانی به